

فصل نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال سیزدهم، شماره پنجاه و یکم، پاییز ۱۴۰۲
مقاله پژوهشی، صفحات ۵۱-۷۲

اهداف راهبردی در مناسبات علمی امام سجاد علیه السلام

محمدحسین ذوقفاری^۱

اصغر منتظرالقائم^۲

چکیده

تلاش علمی امام سجاد علیه السلام کمتر بررسی شده است. این پژوهش بر آن است تا به کمک میراث علمی برجای مانده از امام سجاد علیه السلام، اهداف راهبردی در مناسبات علمی ایشان را استخراج و محورهای اصلی آن را تبیین کند. این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی و با استناد به اخبار و روایات مربوط به امام سجاد علیه السلام در منابع متقدم حدیثی، تاریخی، رجالی، فقهی و تفسیری تا پایان قرن چهارم هجری درصدد پاسخ به این سؤال است که امام سجاد علیه السلام با وجود محدودیت‌های خاص در عصر خویش، چه اهدافی را در ارتباط‌گیری علمی خویش دنبال می‌کرد؟ یافته‌های پژوهش نشان داد که امام سجاد علیه السلام با وجود محدودیت‌ها، اهداف ویژه‌ای را دنبال کرد تا در جامعه آن عصر، وظیفه هدایت‌گری، تبیین دین و حفاظت از آن را در بُعد علمی نیز پیگیری کند. اهداف راهبردی امام سجاد علیه السلام در پنج دسته احیاء سیره و سنت نبوی، تأکید بر فضائل و خصائص اهل بیت علیهم السلام به‌ویژه امیرالمؤمنین علیه السلام در مبارزه با پدیده غلو، تبیین حق و باطل ضمن تأکید بر تقیه، تأکید بر زهد و آخرت‌اندیشی و مبارزه با دنیاگرایی و نهایتاً تبیین و ابهام‌زدایی از مفاهیم اصیل دینی قابل بررسی است.

کلیدواژه‌ها: امام سجاد علیه السلام، سیره علمی امام سجاد علیه السلام، وضع علمی دوره بنی‌امیه، مذهب دوره بنی‌امیه.

۱. کارشناس ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول). mh.zoofaghari@iran.ir

۲. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. montazer@ltr.ui.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۰۲/۰۸/۲۵

تاریخ دریافت: ۰۲/۰۵/۱۰

The strategic objectives in Imam Sajjad's (a.s.) scientific relations

Mohammad Hossein Zoofaghar¹

Asghar Montazerolghaem²

Abstract

The scientific efforts of Imam Sajjad (a.s.) have received relatively little attention. This study seeks to identify the strategic goals of Imam Sajjad (a.s.) through his scientific legacy and to clarify its key points. This paper aims to address this question through a descriptive and analytical approach, utilizing primary sources such as Ḥadīth, history, Rijāl, Fiqh, Tafsir, and others from up to the end of the 4th century Hijri: What objectives did Imam Sajjad (a.s.), peace be upon him, pursue in his scientific interactions despite the specific limitations of his time? The research findings revealed that, despite the challenges, Imam Sajjad (a.s.) pursued distinct objectives aimed at guiding, clarifying religion, and safeguarding it within the scientific framework of his society at the time. The strategic objectives of Imam Sajjad (a.s.) can be analyzed in five key areas: reviving the prophetic way and tradition, highlighting the virtues of Ahl al-Bayt (a.s.), especially Amir al-Mu'minin (a.s.) while combating extremism, distinguishing between right and wrong with an emphasis on piety (taqwā), focus on asceticism and thinking about the Hereafter while opposing materialism, and finally, clarifying and elucidating core religious concepts.

Keywords: Imam Sajjad (a.s.), Imam Sajjad (a.s.) scientific sira, The scientific relations of the Umayyad period, Religion in the Umayyad period.

1. M.A. in History of Islam, Isfahan University, Isfahan, Iran (corresponding author). mh.zoofaghari@iran.ir

2. Professor, Department of History, Isfahan University, Isfahan, Iran. montazer@ltr.ui.ac.ir

درآمد

عصر امام سجاد علیه السلام در مقایسه با سایر امامان شیعه علیهم السلام و حتی سایر دوره‌های تشیع پس از غیبت صغری، بدون شک از پُر چالش‌ترین دوره‌های تشیع بوده‌است. این فضای پر چالش سیاسی که از جهات گوناگون، زندگی شیعه و امام سجاد علیه السلام را تحت تأثیر قرار داد، منجر به اتخاذ روش‌های ویژه‌ای از سوی ایشان برای ارتباط با جامعه مسلمان شد. امام سجاد علیه السلام بیشتر به‌عنوان شخصیتی عبادی و اخلاقی شناخته می‌شود، اما آنچه از بررسی میراث علمی برجای مانده از ایشان و شواهد گوناگون تاریخی و حدیثی برمی‌آید این است که یکی از روش‌های ویژه ایشان در ایفای نقش هدایتی، ارتباط‌گیری علمی بوده‌است. با توجه به محدودیت فرصت‌ها، امام علیه السلام ناچار به در نظر گرفتن اهدافی ویژه بود تا به شیوه‌ای مدبرانه و راهبردهایی خاص بدان‌ها دست یابد. با شناخت هرچه بیشتر سوگیری امام سجاد علیه السلام و به عبارت دیگر شناخت اهداف راهبردی ایشان در مناسبات علمی، ضمن درک هرچه بیشتر وضعیت فکری و عقیدتی آن دوره می‌توان از راهبردهای ایشان در تبیین معارف دینی و مبارزه با انحرافات فکری الهام گرفت.

این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که: امام سجاد علیه السلام با وجود محدودیت‌های عصر خویش، چه اهدافی را در مناسبات علمی خویش دنبال می‌کرد؟

پیشینه پژوهش

فاضل (۱۳۹۷ش) در پایان نامه «دور الامام زین العابدین علیه السلام فی مواجهه الافکار المنحرفه» وضع سیاسی عصر امام علیه السلام و تلاش‌های ایشان در دو حوزه فکری و اجتماعی پرداخته و میراث علمی ایشان (به طور خاص صحیفه سجادیه و رساله حقوق) را در معارف اعتقادی بررسی کرده است. جعفری (۱۳۹۶ش) در پژوهشی با عنوان «سیره امام سجاد علیه السلام در مواجهه با پدیده جعل حدیث» پس از بررسی وضعیت سیاسی و فضای علمی دوره امام سجاد علیه السلام، به ریشه‌ها و انگیزه‌های جعل حدیث پرداخته و پیامدهای ناشی از آن را بررسی کرده است. سپس راه‌کارهای امام علیه السلام در مبارزه با این پدیده را مورد پژوهش قرار می‌دهد. حسینیان مقدم (۱۳۹۵ش) در مقاله «نقش امام سجاد علیه السلام در تحریف زدایی از سیره نبوی» تلاش‌های امام سجاد علیه السلام در برابر آنچه از سیره نبوی و

فضائل اهل بیت مورد تحریف واقع شده را تا حدودی مورد بررسی قرار می‌دهد. سامانی و بختیاری (۱۳۹۵ش) در مقاله «راهبردهای امام سجاد علیه السلام در گسترش فرهنگ اهل بیت و تشیع» با تأکید بر انتخاب فعالیت‌های فرهنگی به جای فعالیت‌های سیاسی توسط امام سجاد علیه السلام، راهبردهای امام علیه السلام را در گسترش فرهنگ اهل بیت و ظرفیت‌سازی برای تأسیس بنیان علمی توسط صادقین علیهم السلام به صورت اشاره‌وار بررسی کرده است. آنچه جایش در میان پژوهش‌های پیشین خالی مانده، بررسی جامعی بر روی اهداف راهبردی امام علیه السلام است که به‌طور خاص ضمن مناسبات علمی ایشان دنبال می‌شده و از رهگذر میراث علمی ایشان قابل شناسایی است؛ اینکه امام علیه السلام با توجه به محدودیت‌های خاص عصر خویش، چه اهدافی را برگزیده و چگونه از طریق ارتباط‌گیری علمی به دنبال تحقق آن بوده است. منظور از مناسبات علمی در این پژوهش هرگونه ارتباط و برخوردی است که حاوی گفتگو و تبیینی درباره مبانی، علوم و معارف اسلامی باشد.

اهداف راهبردی امام علیه السلام

راهبرد معادل انگلیسی استراتژی^۱ به معنای تعیین اهداف اساسی بلندمدت برای یک نهاد و اتخاذ مجموعه‌ای از اقدامات و تخصیص منابع لازم برای نیل به آن اهداف است (Chandler, 13). بر اساس این تعریف می‌توان گفت هدف راهبردی، هدفی کلان است که برای دستیابی به آن برنامه‌ریزی و اقدامات پیوسته و بلندمدت صورت می‌گیرد. در این پژوهش مراد از اهداف راهبردی امام علیه السلام هدف‌های اصلی و بلندمدت است که توسط امام علیه السلام در ایام امامت ایشان برای رسیدن به آن، تلاش و اقدام صورت می‌گرفته است. یکی از بهترین و مهم‌ترین روش‌ها برای یافتن اهداف راهبردی امام علیه السلام، واکاوی میراث علمی برجای مانده از ایشان در متون کهن تاریخی، حدیثی، فقهی، کلامی، رجالی، تفسیری و ادبی است. با یک بررسی و تتبع جامع بر روی اخبار و روایات علمی برجای مانده از ایشان، گونه‌شناسی این روایات و اخبار، گستره و شخصیت‌شناسی راویان و شناخت عالمان و فضای علمی آن دوران، می‌توان اهداف

1. Strategy.

راهبردی امام علیه السلام را در محورهای ذیل دسته‌بندی کرد:

الف) احیای سنت و سیره نبوی

نخستین هدف امام علیه السلام، احیای سنت و سیره نبوی بود که در تلاش علمی ایشان نمود ویژه‌ای داشت. پدیده منع نشر و کتابت حدیث تا عصر امام سجاد علیه السلام آسیب‌های بسیاری به همراه داشت. بخشی از سنت و سیره نبوی در اثر این موضوع از میان رفته، بخشی دیگر دچار تحریف و بخشی دیگر در لایه‌ای از ابهام و تردید قرار گرفته بود. امام سجاد علیه السلام تا حد امکان بر احیای آثار نبوی همت گمارد. این کار ضمن اهمیتی که به خودی خود داشت باعث شد تا جامعه اسلامی و به‌ویژه علما، راه اتصال به سنت نبوی را اتصال به امام زین العابدین علیه السلام بیابند. امام علیه السلام به هر نحو ممکن راهی برای نشر احادیث نبوی می‌یافت و از این رهگذر جایگاه ویژه‌ای در نقل سنت نبوی داشت تا جایی که بخاری (*الضعفاء الصغیر*، ۲۶۷) از ابو عبدالرحمن نقل می‌کند: «نیکوترین سندها از روایات رسول الله چهار مورد است و از جمله آن، زهری از علی بن الحسین از پدرش حسین از علی بن ابی طالب [علیهم السلام] از رسول الله صلی الله علیه [و آله] و سلم است». تلاش امام علیه السلام در احیای سیره و سنت نبوی را می‌توان حاوی ابعاد گوناگونی دانست که در ادامه بیان خواهد شد.

۱- بازگویی مقام و منزلت ویژه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

منع تدوین و نشر حدیث و سیاست خلفا موجب فراموش شدن فضیلت‌های رسول خدا شد. خلفا با تنزل مقام ویژه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، شکاف عمیق و پرنشاندنی میان جایگاه و منش خود با رسول خدا را تا حدودی ترمیم می‌کردند. از این‌رو، یادآوری فضائل ویژه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم توسط امام سجاد علیه السلام در چنین شرایطی در آگاهی جامعه اهمیت خاصی داشت. امام سجاد علیه السلام برای عده‌ای از مردمی که به دیدار ایشان آمده بودند، مقام ویژه رسول خدا را موضوع قرار داد و فرمود: «آیا برای شما از رسول الله صلی الله علیه [و آله] و سلم بگویم. عرض کردند بلی از ابالقاسم صلی الله علیه [و آله] و سلم برایمان بفرمای». سپس امام علیه السلام ماجرای اذن گرفتن ملک الموت از رسول الله برای قبض روح

مبارکش را بیان و ضمن آن تأکید کرد که این فضیلت فقط خاص رسول الله بود (شافعی، السنن، ۴۵/۲). عده‌ای تصور می‌کردند علت نزول اذان به خاطر رؤیایی بود که یکی از مردان انصار به نام عبدالله بن زید دیده بود و وقتی به پیامبر ﷺ خبر از آن داد، ایشان دستور به اذان فرمود. در این خصوص که به‌عنوان قول عامه مسلمین مطرح بود از امام زین العابدین علیه السلام سؤال شد. ایشان فرمود: «وحي بر پیامبر شما نازل می‌شود و شما تصور می‌کنید او اذان را از عبدالله بن زید گرفته است؟! اذان چهره دین شماست». امام علیه السلام که از این تصور ناشی از بی‌معرفتی نسبت به رسول خدا خشمگین شده بود ضمن استناد به حدیثی از پدرش از جدش علی بن ابی طالب علیه السلام، به تفصیل به ماجرای اسراء و معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اشاره و کیفیت نزول اذان را به تفصیل بیان فرمود (ابن حیون، شرح الاخبار، ۲۰۸/۱). امام علیه السلام در جایی دیگر مقام شفاعت رسول خدا را در تفسیر آیه ۷۹ سوره اسراء برای ابن شهاب زهری بیان کرد (ابن ابی خيثمه، ۲۰۵/۱). بازگویی اینگونه موارد می‌توانست یادآور این نکته باشد که هرکس داعیه خلافت نبوی دارد باید شأنی درخور با آن مقام داشته باشد.

۲- تبیین تحریفات سیره نبوی

شأن نزول آیه محاربه (مائده/۳۳) از ماجراهایی بود که مورد تحریف و سوء استفاده واقع شده بود. این ماجرا مربوط به عده‌ای از عربینان است که پس از اسلام آوردن و پذیرش امانت و مسئولیت از جانب رسول خدا در امانت خیانت ورزیده و مرتد شده بودند (حسینیان مقدم، ۶۱-۵۹). در منابع به نقل از انس بن مالک از مجازات‌های خشونت‌آمیز پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علیه ایشان (مازاد بر دستور الهی مبنی بر قطع کردن دست و پا) سخن رفته است. نظیر آنچه واقدی (۵۶۹/۲-۵۷۰) از میل کشیدن چشمان و به دار آویختن آنان گفته است. حتی در برخی منابع به شکنجه‌های دیگری نیز نظیر تشنه رها کردن و آب ندادن به آنها (بخاری، صحیح، ۲۷۸/۱۰) و حتی سوزاندن جنازه آنان نیز اشاره شده است (طبری، تفسیر، ۳۶۳/۸). امام سجاد علیه السلام که از شأن نزول این آیه با خبر بود قول انس بن مالک را انکار کرد و فرمود: «به خدا قسم رسول خدا صلی الله علیه

[و آله] و سلم چشم هیچ کس را میل نکشید و جز قطع دست و پا هیچ کار دیگری نکرد» (شافعی، الأم، ۲۵۹/۴).

نسبت دادن مجازات‌های اضافی و خشونت‌آمیز نظیر میل کشیدن، تشنه کشتن، به دار آویختن و حتی سوزاندن به رسول خدا که هیچ مبنای قرآنی نداشت، دست خلفای جور را بر شکنجه مخالفین خود که به راحتی اسم محارب روی آنها می‌گذاشتند، باز می‌کرد. شاهد بر این مطلب حدیثی از امام باقر علیه السلام است که می‌فرماید: «اولین چیزی که حاکمان آن را حلال شمردند شکنجه بود به خاطر دروغی که انس به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت داد که دست مردی را با میخ به دیوار کوبید و پس از آن بود که حاکمان شکنجه را حلال شمردند» (ابن بابویه، *علل الشرایع*، ۵۴۱/۲).

۳- احیای آداب و سنن نبوی

رسول خدا در حیات شریف خویش آداب و سنت‌های فراوانی را بنیان نهاد تا ریشه‌های تفکر جاهلی را برکنده و زندگی توحیدی را در همه ابعاد خود برای جامعه مسلمان تبیین کند اما حوادث پس از ایشان بسیاری از آداب و سنن نبوی را دچار فراموشی و یا انحراف کرد. در زمان امام سجاد علیه السلام یکی از سنت‌هایی که از میان مردم رخت بر بسته و ناشایست تلقی می‌شد ازدواج با کنیز آزاد شده بود. امام زین العابدین علیه السلام این سنت نبوی را بعد از متروک ماندن دوباره احیاء کرد. او غلامی از غلامانش را آزاد و به ازدواج دختری درآورد. خود نیز کنیزش را آزاد و با او ازدواج کرد. عبدالملک از این موضوع با خبر شد و ایشان را به خاطر این کار سرزنش کرد که این کار در شأن همچون تویی نبوده است. امام علیه السلام در پاسخ او نوشت: «همانا خداوند فرمود *كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ*. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم صفیه دختر حبیب بن أخطب را آزاد و با او ازدواج کرد و زید بن حارثه را آزاد و به ازدواج دختر عمه‌اش زینب بنت جحش درآورد» (ابن سعد، ۱۶۵/۵). عبدالملک نامه را که خواند با تعجب گفت: «علی بن الحسین آنچه مردم پست می‌انگارند را شریف می‌شمرد» (ابن عبدربه، ۱۴۰/۷). این نقل چند نکته را یادآور می‌شود. نخست آنکه

سنتی که رسول خدا به آن عمل می‌کرد در عصر امام سجاده علیه السلام متروک و ناپسند تلقی می‌شده است. دوم آنکه عبدالملک از جایگاه والای امام علیه السلام آن قدر ناخشنود بود که این خبر بلافاصله به گوشش رسیده و از آن برای کوچک کردن مقام حضرت بهره برده است. سوم آنکه امام علیه السلام هر دو عمل خود را چه به ازدواج درآوردن یک غلام و چه به ازدواج درآوردن یک کنیز را مستند به سنت نبوی دانسته‌اند. چهارم آنکه عبدالملک با خواندن این پاسخ، به جای توجه به سنت نبوی باز عمل امام علیه السلام را با عمل مردم مقایسه می‌کند! در مواردی دیگر نیز حضرت برای شکستن این باور غلط، به سنت نبوی استناد کرد: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود فرزندان خود را از کنیزان بخواهید چرا که برکت در رحم‌های آنان است» (کلینی، ۴/۵۷۴). این کار امام علیه السلام آن قدر تأثیرگذار بود که ناپسندی آن در میان مردم شکسته شد. مسلم بن مسلمه می‌گوید: «اهل مدینه ازدواج با کنیزان را ناپسند می‌شمردند تا آنکه علی بن الحسین در میان آنها بزرگ شد و فقه، علم و ورع او بر اهل مدینه سایه انداخت. پس بدین واسطه مردم مدینه به ازدواج با کنیزان رغبت یافتند» (جاحظ، ۳۳۴).

امام علیه السلام در موارد مختلف به اوامر و نواهی پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کرد. ایشان که گویی شاهد شعرسرایی در مسجد بود به نهی نبوی از این کار استناد کرد و فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود هرکس را دیدید که در مسجد شعر می‌سراید به او بگویید خداوند دندان‌هایت را فرو بریزد؛ مسجد تنها برای قرآن، سرپا شده است» (کلینی، ۳/۳۶۹). بعید نیست که در دوره امام علیه السلام که آوازخوانی و موسیقی و غناء به شدت رواج یافته بود (نک. مسعودی، ۳/۶۷؛ ابن عبدربه، ۳/۲۸)، این کار به نحوی به مسجد نیز کشیده شده و اشعار جاهلی یا لهوی در مسجد توسط برخی از خدا بی‌خبران خوانده می‌شد. دستور به نفرین این افراد از طرف پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر اهانت بزرگ این افراد به مسجد و دور ساختن مردم از فضای معنوی است که امام سجاده علیه السلام نیز با آن مواجه بوده و به دستور رسول خدا اشاره کرده است.

در فضای اختناق و خشونت بنی‌امیه و از بین رفتن سنت‌های نیک، یادآوری برخی تکالیف، مهم می‌نمود. فاجعه حرّه تأثیر بسیار منفی بر روحیه مردم مدینه گذاشته بود؛

چه آنها به تمام و کمال مورد تهاجم و تحقیر و سرکوب واقع شده بودند. شاد کردن مومن از جمله دستورات اخلاقی است که در ادبیات دینی تأکید زیادی بر آن شده است. امام علیه السلام در این خصوص و برای تغییر فضا روایاتی از رسول خدا نقل کرد: «موردپسندترین کارها نزد خداوند متعال شادکردن مومن است» (ابن بابویه، مصادقه *الاخوان*، ۶۰). نیز در باب کمک‌رسانی به مسلمان از رسول خدا نقل کرد: «هرکس کمک به برادر مسلمانش و تلاش همراه با او برای رفع نیازش را رها کند چه آن نیاز برطرف شود و چه برطرف نشود مجبور خواهد شد برای نیاز شخص دیگری بدون آنکه اجیر شده باشد تلاش کند» (ابن قتیبه، ۱۹۴/۳).

۴- احیای فقه نبوی

از دست رفتن بخش زیادی از آثار نبوی به دلیل منع کتابت از یک سو و دورشدن جامعه مسلمان از مفسران واقعی وحی از سوی دیگر باعث شد تا باب اجتهاد بی‌مبنا در فقه باز شده و در مواردی که استناد به قرآن و سنت نبوی در تبیین فروع فقه ممکن نبود، قول و فعل صحابه حجت تلقی شود. در این شرایط امام سجاد علیه السلام وظیفه خود را احیای فقه نبوی می‌دانست و تا حدی که شرایط اجازه می‌داد بدین مهم می‌پرداخت. این تلاش تا به جایی رسید که ابن شهاب زهری که در محضر فقهای به نام عصر خویش شاگردی کرده بود در خصوص امام سجاد علیه السلام گفت: «هیچ کس را فقیه‌تر از او نیافتم» (فسوی، ۵۴۴/۱). عبدالملک که مسئله‌ای در خصوص اعتبار شهادت اهل ذمه علیه یکدیگر برایش پیش آمده بود مستقیماً به حضرت نامه‌ای می‌نویسد و در این خصوص پرسش می‌کند. امام علیه السلام ضمن استناد به سنت نبوی، پذیرش شهادت اهل ذمه علیه یکدیگر را مشروط بر عدالت شهود نزد خودشان جائز و شهادت ایشان علیه مسلمانان مگر در باب وصیت را غیرمعتبر دانستند (ابن حیون، *دعائم الاسلام*، ۵۱۴/۲). این پاسخ از احاطه امام علیه السلام بر سنت نبوی و احاطه ایشان بر فروع فقهی حکایت دارد. از جمله موارد دیگری که در نقل‌های فراوانی از امام سجاد علیه السلام مستند به سنت نبوی وجود دارد مسئله ارث بردن کافر از مسلمان و بالعکس است که این مسئله نیز در اثر گسترش فتوحات

بالاخص در ایام ولید بن عبدالملک مطرح شده بود (ابن مبارک، ۹۶؛ ابن ابی شیبه، ۲۸۳/۶). یکی از پررنگ‌ترین موضوعات فقهی که در میان بیانات حضرت وجود دارد باب حج است. در باب فضائل، مناسک و آداب حج روایات زیادی از امام زین العابدین علیه السلام نقل شده است. امام علیه السلام بسیاری از احکام و آداب حج را مستند به سنت نبوی بیان می‌فرمود. برای نمونه می‌توان به حکم حج نیابتی (فاکهی، ۳۸۹/۱)، محدوده محل ذبح در منی (شافعی، الأم، ۱۲۴/۲)، تأخیر در حلق و نحر (طبری، تهذیب الآثار، ۲۲۴/۱)، آداب رمی جمره (ابن حنبل، مسند، ۳۲۳/۳) و عقوبت ترک حج (ابن قتیبه، ۱۹۴/۳) اشاره کرد. تمرکز امام علیه السلام بر این موضوع فقهی را می‌توان از برخی شواهد مبنی بر آشنایی ناقص مردم و حتی فقها با احکام و آداب این فریضه بزرگ دانست. وقتی سلیمان بن عبدالملک در سال ۹۷ به سفر حج رفت جمعی از فقها نظیر قاسم بن محمد بن ابی بکر، عبدالله بن عمر، سالم بن عبدالله، خارجه بن زید و ابوبکر بن حزم را جمع کرد تا از کیفیت حج سؤال کند. آنها در این مورد اختلاف کردند و هیچ یک بر یک رأی توافق نکردند. وقتی اختلاف آنها را دید گفت عبدالملک چگونه حج به‌جا آورد؟ گفتند این طور. گفت من نیز همانند او حج می‌گذارم (یعقوبی، ۲۹۸/۲).

۵- بیان نکات ویژه‌ای از تاریخ و سیره نبوی

امام علیه السلام گاه به بیان نکات ویژه‌ای از سیره نبوی می‌پرداخت. یکبار عبدالملک به اهالی مدینه نامه نوشت و از آنها در خصوص آن زنی که طبق آیه ۵۰ سوره احزاب خود را بر رسول خدا بخشید پرسش کرد. هرچند به روشنی معلوم نیست که چرا این پرسش برای عبدالملک آن قدر مهم بوده است که او را بر آن داشته که نامه‌ای به اهالی مدینه که شهر فقها و عالمان بود بنویسد، اما شاید یکی از انگیزه‌های او شناخت عالم یا عالمانی بوده که بر تفسیر قرآن کریم احاطه داشته‌اند. به هر روی امام زین العابدین علیه السلام به آن سؤال پاسخ داد و مصداق آیه را زنی مؤمنه از خاندان اُزد به نام ام شریک معرفی کرد (طبری، تفسیر، ۱۳۵/۱۹؛ ابن سعد، ۱۲۲/۸). برخی از نکات ویژه از سیره نبوی حتی برای برخی از علمای بزرگ و مشهوری همچون سعید بن مسیب روشن نبود. حضرت یکبار برای سعید

بن مسیب شرح نسبتاً مبسوطی از علت و شرایط هجرت رسول خدا بیان کرد و به پرسش‌های او پاسخ داد (عیاشی، ۲۵۷/۱؛ کلینی، ۳۴۰/۸-۳۳۹).

ب) تأکید بر فضائل و دفاع از سیره اهل بیت علیهم‌السلام به‌ویژه امیرالمؤمنین علیه‌السلام ضمن مبارزه با پدیده غلو

از دیگر اهداف ویژه امام علیه‌السلام در مناسبات علمی، تأکید بر فضائل و ویژگی‌های اهل بیت بود. یکی از بدترین آثار و یا انگیزه‌های منع نشر و کتابت حدیث نبوی، غفلت و عدم معرفت نسبت به جایگاه، خصائص و فضائل اهل بیت بود. امام علیه‌السلام پس از واقعه کربلا که از نتایج روشن این غفلت بود، از نخستین روزهای امامت خویش، در راستای احیای این فضیلت‌های فراموش‌شده که منشأ فاجعه کربلا بود کوشش کرد. این حرکت بلافاصله پس از واقعه کربلا آغاز شد. امام علیه‌السلام هنگام ورود به دمشق و در حال اسارت ضمن گفتگو با مرد شامی بر چند آیه ویژه از قرآن که حاکی از فضائل ویژه اهل بیت بود تأکید کرد. امام علیه‌السلام در گفتگو با مرد شامی به آیات مودت (شوری/۲۳)، آیه خمس (انفال/۴۱)، آیه تطهیر (احزاب/۳۳) و آیه ۲۶ سوره اسری (وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ) احتجاج کرده است (طبری، تفسیر، ۴۹۸/۲۰، ۵۶۳/۱۴، ۱۹۳/۱۱، ۱۰۶/۱۹). امام علیه‌السلام پس از واقعه کربلا در گفتگو با منهال بن عمرو مصیبت وارده بر اهل بیت را توصیف و ضمن آن به علت برتری اهل بیت به شیوه جدلی پاسخ می‌دهد (ابن سعد، ۱۷۰/۵). این بیانات در فضای آلوده شام می‌توانست جرقه‌ای برای اذهان خفته باشد. شاهد بر این موضوع آن‌که بعدها می‌بینیم یک مرد شامی در جریان طواف خانه خدا برای یافتن پرسشی خاص مبنی بر تاریخ و چرایی وجوب طواف کعبه که پاسخ آن از سنخ علوم الهی است، امام سجاد علیه‌السلام را در میان جمعیت یافته، او را با «یابن رسول الله» مورد خطاب قرار داده و از ایشان سؤال می‌کند (ازرقی، ۳۲/۱). این روش در دوره‌های بعدی زندگانی ایشان نیز با قوت ادامه یافت. سفیان بن لیلی شخصی است که پس از ماجرای صلح امام حسن علیه‌السلام ایشان را «یا مذل المؤمنین» خطاب می‌کند. امام حسن علیه‌السلام ضمن آرام کردن او، می‌خواهد که در قضاوت تعجیل نکرده و سپس علت صلح را برای او بیان می‌کند (کشی، ۳۲۸/۱-۳۲۷) و در پایان به اهمیت حب و بغض اهل بیت و

درجات آن اشاره می‌کند (ذهبی، ۲۴۸/۳-۲۴۷). همین شخص بعدها امام سجاد علیه السلام را نیز ملاقات می‌کند. امام علیه السلام، سفیان را مورد خطاب قرار داده و فرمایش امام حسن علیه السلام را به او یادآوری می‌کند (ابن حیون، شرح الاخبار، ۴۴۸/۳). این ملاقات و یادآوری می‌توانست به تقویت موضع دوستان اهل بیت که ممکن بود در معرفت خویش به اهل بیت دچار ضعف و سستی شوند، بسیار کمک کننده باشد.

یکی از روش‌های امام علیه السلام در پیشبرد این هدف مهم، تأثیرگذاری بر روی عالمان عصر خویش بود. ابن شهاب زهری که از بزرگان راویان و حافظان حدیث، سیره‌نویسان و فقهای تابعین در نیمه قرن دوم هجری است، در عصر امام علیه السلام در حال علم‌اندوزی از محضر علمای بزرگ و به‌طور خاص علما و فقهای مدینه بود. او پس از آشنایی با حضرت، مجالست زیادی با ایشان داشت. از سوی دیگر این عالم مشهور ارتباطی قوی با دربار اموی داشت. برخی نقل‌های او از امام علیه السلام در خصوص اهل بیت در محیط شام و حکومت اموی مؤثر بود. ارتباط او با امام علیه السلام به قدری قوی بود که بنی مروان به طعنه به او می‌گفتند: «ما فعلَ نَبِیکَ» (همان، ۲۵۸/۳). زیرا امام علیه السلام آن قدر نزد زهری بلندمرتبه بود و از فضل ایشان یاد می‌کرد که گویی ایشان در مقام نبوت بر او بودند. از جمله احادیث مهم در نص بر ائمه دوازده‌گانه را زهری در ایام احتضار امام سجاد علیه السلام از ایشان نقل کرده است (ابن بابویه، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ۶۵/۱). همچنین زهری تسبیحات حضرت زهرا علیه السلام (صنعانی، ۳۳/۱۱)، فضیلت حضرت زهرا علیه السلام از زبان رسول خدا (نسائی، ۱۰۵) و اشاره به تدفین شبانه ایشان (ابن سعد، ۲۴/۸) را از امام سجاد علیه السلام نقل کرده است.

گاهی امام علیه السلام در مقام دفاع از اهل بیت با برخی از علمای مشهور مقابله داشت. یکبار وقتی شنید که عروه بن زبیر در مسجد، دختر دیگری از رسول خدا را افضل دانسته به مسجد آمد و به شدت نسبت به او اعتراض کرد که چرا فضیلت ویژه حضرت زهرا علیه السلام را انکار کرده است (بزار، ۱۳۲/۱۸).

امام علیه السلام گاهی با پاسخ‌های عالمانه پرسش‌کنندگان را متوجه مقام ویژه اهل بیت می‌کرد. یکبار شخصی از پاسخ روشن‌گرانه امام علیه السلام از تفسیر آیه ۲۴ و ۲۵ سوره معارج

به شدت تحت تأثیر قرار گرفت و گفت: «الله يعلم حیث یجعل رسالته» (کلینی، ۵۰۰/۳). ابن شهاب زهری در جایی دیگر وقتی از راهگشایی و راهنمایی ویژه امام علیه السلام برای گناهی که مرتکب شده بود به شدت تحت تأثیر قرار گرفت، مشابه همین جمله را گفت: «الله اعلم حیث یجعل رسالته» (ابن حیون، شرح الاخبار، ۲۵۸/۳).

آنچه بیش از همه خود را نشان می‌داد و ریشه تمام غفلت‌ها نسبت به اهل بیت بود، فاصله گرفتن اذهان مردم از شخصیت واقعی امام علی علیه السلام بود. امام سجاد علیه السلام مهم‌ترین تمرکز خویش را در اجرای این هدف، تبیین شخصیت واقعی امام علی علیه السلام قرار داد و نسبت به بیان فضائل، ویژگی‌ها و دفاع از سیره ایشان تا حدی که شرایط اجازه می‌داد کوتاهی نورزید. حاکمیت بنی‌امیه پس از خلافت امام علی علیه السلام، سال‌ها بود یکی از اهداف اصلی خویش را تضعیف چهره امام علی علیه السلام نزد مردم قرار داده بود و بدون مقابله با این سیاست، امکان احیاء نقش ویژه اهل بیت وجود نداشت. امام سجاد علیه السلام گاه به صورت مستقیم و گاه غیرمستقیم نسبت به این موضوع ابهام‌زدایی می‌کرد. امام علیه السلام گاه مورد پرسش و حتی اعتراض برخی افراد نسبت به امیرالمؤمنین علیه السلام واقع می‌شد و گاه خود برای این ابهام‌زدایی پیش قدم می‌شد. نکته جالب آن است که بسیاری از فضائل و موقعیت‌های ویژه امیرالمؤمنین علیه السلام نظیر حدیث منزلت (کوفی، ۵۲۲/۱؛ ابن بابویه، معانی الاخبار، ۷۴)، آیه ولایت (فرات، ۱۲۵)، حدیث یوم الانذار (ابن عقده، ۲۰۵)، حدیث سد الابواب (بزار، ۱۴۴/۲) و نیز احادیث متعدد دیگری از زبان رسول خدا درباره ایشان، توسط امام سجاد علیه السلام و در موقعیت‌های مختلف بیان شده‌است. برخی نقل‌ها نشان می‌دهد که حتی عده‌ای از دشمنان امام علی علیه السلام به جعل احادیثی از خود ایشان پرداخته تا فضیلت ایشان را نسبت به شیخین انکار کنند. امام سجاد علیه السلام با استناد به حدیث منزلت و روایان حاضر این حدیث، به مقابله با این جعلیات پرداخت (کوفی، ۵۲۲/۱؛ ابن بابویه، معانی الاخبار، ۷۴). وجه دیگری از موضوع دفاع امام علیه السلام از سیره امیرالمؤمنین علیه السلام، مرتبط با جنگ جمل بود که همواره دستاویزی برای عثمانیان بود. بنی‌امیه و بنی‌زبیر که عصر امام علیه السلام صحنه تنازع آنان بود، بر عثمانی بودن مشترک بوده و هنوز قتل عثمان و ماجرای جنگ جمل برای آنان زنده

بود و به شکل‌های گوناگون از آن استفاده تبلیغاتی می‌کردند. امام علیه السلام نسبت به ابهام‌زدایی از این موضوع نیز اهتمام ورزید. فضا تا حدی علیه امیرالمؤمنین علیه السلام مدیریت شده بود که صحابی ویژه امام سجاد علیه السلام یعنی ابو حمزه ثمالی نیز در خصوص رفتار امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ جمل دچار اشتباه شده و سیره جنگی امام علی علیه السلام در برابر اهل قبله (اصحاب جمل) را کم ملاحظه‌تر از سیره رسول خدا در برابر اهل شرک می‌داند. امام علیه السلام از شنیدن این سخن خشمگین شد و در این باره توضیح داد (کلینی، ۳۳/۵). مسئله جمل همواره دستاویز مخالفان برای تهمت‌زنی به امیرالمؤمنین علیه السلام بود. یحیی بن مُساور می‌گوید: «مردی از اهالی شام نزد علی بن الحسین علیهما السلام آمد و گفت: آیا تو علی بن الحسین هستی؟ فرمود: بلی. گفت: پدر تو مؤمنین را کشت.» امام علیه السلام آنچنان رنجیده خاطر شد که به شدت گریست و سپس با استناد به چند آیه از قرآن استدلال محکمی را علیه این افتراء بیان کرد. این استدلال آنچنان تأثیرگذار بود که مرد شامی در حق حضرت دعای خیر کرد و گفت شبهه‌اش حل شده‌است (فرات، ۱۹۲). قطعاً پاسخ حضرت به این مرد توانست در فضای شام پاسخی روشن برای این شبهه باشد. بهترین راه برای دفاع از سیره امام علی علیه السلام در جنگ جمل استناد به قول اصحاب جمل بود. شافعی (الأم، ۲۲۹/۴) روایتی از امام سجاد علیه السلام نقل کرده که فرمود: «بر مروان بن حکم وارد شدم به من گفت: هیچ کس را در حال غلبه، کریم‌تر از پدر تو نیافتم در حالی که بر ما دست یافته بود منادیش ندا داد که هیچ فرارکننده‌ای از جنگ کشته نشود و هیچ مجروحی کارش یکسره نگردد». استناد امام علیه السلام به قول مروان درباره جمل آن‌قدر اهمیت داشت که یکبار فرزندش امام باقر علیه السلام در برابر سعید بن عبدالملک که داعیه خونخواهی عثمان سر می‌داد به آن استناد کرد و این موضوع آن قدر مؤثر بود که سعید از عقیده خود دست برداشت (ابن حیون، شرح الاخبار، ۳۴۲/۱).

امام علیه السلام در کنار بیان فضائل و ویژگی‌های اهل بیت با پدیده غلو نیز مبارزه می‌کرد. فضائل اهل بیت برای آن دسته از دوستانانی که ظرفیت معرفتی لازم نداشتند، زمینه‌ای برای گرفتاری به غلو فراهم می‌کرد و برای کسانی که مقامات اهل بیت را دستاویزی برای دست و پا کردن جایگاهی برای خود قرار می‌دادند، فرصت مناسبی بود. امام علیه السلام با

شناخت این خطر، به مبارزه با عقاید غلوآمیز پرداخت. یکبار امام علیه السلام برخی اهالی عراق را که به سبب دوستی شدید نسبت به اهل بیت گرفتار غلو شده بودند مورد تبه و تذکر ویژه خویش قرارداد و به آنان گفت: «ای اهل عراق ما را به خاطر اسلام دوست بدارید و به خدا قسم حب شما نسبت به ما آنقدر زیادت کرده که برای ما موجب زشتی شده است» (ابن ابی عاصم، ۴۸۱). امام علیه السلام با این جمله به آنان فهماند که حب و دوستی اهل بیت باید از رهگذر دین و به خاطر خداوند باشد نه به سبب انگیزه‌های شخصی و غیرالهی چه در غیر این صورت منشأ سخنان ناروا خواهد بود. ابو خالد کابلی که خود از خواص امام سجاد علیه السلام بود و روایات زیادی از ایشان در باب فضائل اهل بیت نقل کرده درباره غلو از امام زین العابدین علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «یهود عزیر را آنقدر دوست داشتند که درباره او گفتند آنچه گفتند [یعنی عزیر را پسر خدا خواندند] اما نه عزیر از آنان بود و نه آنان از عزیر. نصاری نیز درباره عیسی گفتند آنچه گفتند اما نه عیسی از آنان بود و نه آنان از عیسی. این سنت در میان ما نیز وجود دارد که گروهی از شیعیان ما آنقدر ما را دوست خواهند داشت که درباره ما همان چیزهایی را خواهند گفت که یهود درباره عزیر و نصاری درباره عیسی بن مریم گفتند اما نه آنها از ما و نه ما از آنان» (کشی، ۳۳۵/۱). در این گفتار امام سجاد علیه السلام ضمن پیش‌بینی پدیده غلو به صراحت برائت خود را از این دسته از شیعیان اعلام داشته و آنان را از خود نمی‌داند.

ج) تبیین حق و باطل ضمن تأکید بر تقیه

یکی از آموزه‌های خاص امامان شیعه موضوع تقیه است. تقیه نوعی عدم ابراز عقیده واقعی در شرایطی است که ترس از حاکمان و امرای ستمگر وجود دارد و معمولاً هنگامی که شیعه در اقلیت است اهمیت بیشتر پیدا می‌کند. در آموزه‌های دینی ضمن تأکید فراوان بر وظیفه امر به معروف و نهی از منکر و نیز اهمیت حق‌گویی، در شرایطی که عواقب بیان عقیده و امر به معروف و نهی از منکر از عدم بیان آن شدیدتر است بر موضوع تقیه تأکید شده است. در حقیقت تقیه ورزیدن و عدم آن، وظیفه‌ای است که کاملاً تابع شرایط حیات شیعه است. با توجه به آنکه امام علیه السلام در ایام امامت خویش

هر بار با شرایط سیاسی و اجتماعی متفاوتی روبه‌رو بود، می‌توان از برخی شواهد این تفاوت روش حضرت را استنباط کرد. امام علیه السلام خود معیاری برای تقیه بیان کرده است: «ترک کننده امر به معروف و نهی از منکر مانند کسی است که کتاب خداوند را پشت سر انداخته است مگر آنکه تقیه کند. به ایشان گفته شد تقیه چیست؟ فرمود: اینکه از جبار دشمن‌ستیزی بترسد که در حق او زیاده‌روی یا طغیان کند» (ابن سعد، ۱۶۴/۵). این زیاده‌روی یا طغیان همان است که اقلیت شیعه را با خطر نابودی و یا انزوا مواجه خواهد کرد. از مجموع سخنان و رفتارهای امام علیه السلام می‌توان اینگونه برداشت کرد که ایشان به تناسب شرایط عصر خویش و متناسب با نوع برخوردهای خود با مردم (کاملاً خصوصی، نیمه خصوصی و یا عمومی) نسبت به رعایت تقیه و یا تبیین حق و باطل اقدام کرده است. به‌طور مثال امام علیه السلام در یک مجلس کاملاً خصوصی با سعید بن مسیب نکاتی از هجرت رسول خدا را بیان کرده که ناظر به منشأ حسادت و دشمنی نسبت به امیرالمؤمنین علیه السلام است. امام علیه السلام در جایی دیگر وقتی به‌طور عمومی در خصوص منزلت شیخین نسبت به رسول خدا از او سؤال می‌شود به گونه‌ای زیرکانه و محتاطانه پاسخ می‌دهد: «مانند جایگاهی که الان نسبت به رسول خدا دارند!» (ابن حنبل، الزهد، ۹۲). همچنین نقل شده که امام علیه السلام در نماز جمعه امامان جور از روی تقیه شرکت جسته اما بدان اعتقادی نداشته و نماز ظهر را خودش اقامه می‌کرد (ابن حیون، تاویل الدعائم، ۳۱۰/۱). شرایط سیاسی از ابتدای امامت ایشان تا سال ۷۳ هجری (پایان کار ابن زبیر) به شدت درهم ریخته و پس از آن تا پایان حکومت عبدالملک به شدت مستبدانه بود. پس از آن در ایامی که عمر بن عبدالعزیز از سوی ولید بن عبدالملک بر حکومت مکه و مدینه گمارده شد، شرایط قدری آرام‌تر شد. در زمان حکومت عمر بن عبدالعزیز بر حجاز، هرکس از اهالی عراق که می‌خواست از ستم حجاج در امان باشد به مدینه یا مکه پناه می‌برد (ابن اثیر، ۵۱/۴). طبیعتاً در آن ایام دست امام علیه السلام بر تبیین حقایق بیشتر باز بوده‌است. سعید بن مسیب از برگزاری مجلس وعظ توسط امام علیه السلام در هر جمعه در مسجدالنبی حکایت می‌کند (کلینی، ۷۲/۸). تشکیل این مجلس از سوی حضرت نمی‌توانسته قبل از سال ۸۶ هجری (پایان خلافت

عبدالملک) در حضور حاکمان ستمگر و ستیزه‌جویی همچون هشام بن اسماعیل صورت گرفته باشد. در برخی موارد امام علیه السلام به شیوه غیرمستقیم نسبت به بیان حق و باطل اقدام می‌کرد. یکبار امام زین العابدین علیه السلام در مسجد رسول خدا بود که شنید عده‌ای خداوند را به خلقتش تشبیه می‌کنند. با شنیدن آن ناله‌ای برآورد و بر خود لرزید و نزد قبر رسول خدا رفت و با صدای بلند با خدای خود مناجات کرد و به گونه‌ای بسیار زیبا و لطیف به باطل بودن عقیده تشبیه اشاره کرد (مفید، ۱۵۲/۲-۱۵۱).

د) تأکید بر زهد و آخرت‌اندیشی و مبارزه با دنیاگرایی

امام سجاد علیه السلام به‌عنوان یک عالم، یکی از مهم‌ترین موانع خویش را برای احیای اسلام واقعی، گرفتاری مردم به امور دنیوی و غفلت از آخرت می‌یافت. دنیاگرایی مسلمانان که علل گوناگونی داشت، عامل مهمی بود تا آنان نسبت به اهمیت افزایش معرفت دینی غفلت بورزند. از سوی دیگر علمای دینی نیز در آن دوره از این آفت مصون نبوده و گرفتاری آنان به این موضوع می‌توانست دلیل مهمی برای سهل‌انگاری و یا حتی خیانت در حفظ و انتقال آثار نبوی باشد. امام علیه السلام با شناخت کامل این موضوع، در موارد متعددی هم به صورت خصوصی برای عالمانی نظیر زهری و هم در مجالس عمومی نظیر مجلسی که جمعه‌ها در مسجدالنبی برگزار می‌کرد و پیش از این بدان اشاره شد، به شکلی عالمانه و معرفت‌بخش به تبیین ماهیت دنیا و آخرت می‌پرداخت. این تبیین‌ها برای مردم آن‌قدر اثربخش و جالب بود که به گفته سعید بن مسیب آنان نسبت به حفظ و کتابت این مواضع اهتمام می‌ورزیدند (کلینی، ۷۶/۸-۷۲). معرفی مبسوط ماهیت دنیا و آخرت (ابن بابویه، *الخصال*، ۶۴/۱)، مواضع پس از مرگ (همان، ۱۱۹/۱)، تعریف چشمان آخرت‌بین و دنیا‌بین (همان، ۲۴۰/۱) و قطع طمع از مردم (کلینی، ۳۲۰/۲) از جمله مواردی است که همگی توسط امام علیه السلام برای عالمی تأثیرگذار و به شدت در معرض دنیازدگی یعنی ابن شهاب زهری بیان شده‌است. مذمت ترجیح دنیا بر دین و دنیاگرایی (یعقوبی، ۳۰۴/۲)، پرهیز از دنیا‌دوستان (ابن قتیبه، ۳۵۶/۲) و محاسبه نفس (یعقوبی، ۳۰۴/۲) از دیگر مواردی است که در راستای این هدف از سوی

امام علیه السلام برای برخی مخاطبین و راویان بیان شده است.

ه) تبیین و ابهام‌زدایی از مفاهیم اصیل دینی

سال‌ها به حاشیه راندن مرجعیت دینی اهل بیت زمینه را برای دگرگون ساختن مفاهیم اصیل دینی هموار ساخته بود. یکی از مواردی که در آثار برجای مانده از امام علیه السلام نمایان است، تعاریف جدیدتری است که ایشان از برخی مفاهیم دینی عرضه کرده‌اند. مفاهیمی نظیر عبادت و عابد بودن را خوارج با ظاهر عابدانه و باطن بی‌معرفت خویش مورد تغییر و تبدل قرار داده بودند. مسلمان واقعی بودن را نیز عده‌ای نظیر مُرجئه تنها به باور قلبی یا اظهار لسانی دانسته و عمل صالح را شرط اصلی نمی‌دانستند. عدالت نیز که شرط مهمی در بسیاری از مسائل فقهی است قاعداً با تحولاتی در مفهوم روبه‌رو شده بود که امامت فاسقان را بر مردم میسر کرده بود. امام سجاده علیه السلام در حدیثی نسبت به این مفاهیم بیان متفاوتی داشت تا چهره واقعی آنها روشن شود. ابو‌خالد کابلی از امام سجاده علیه السلام چنین نقل کرد: «هرکس از محرمات الهی دست بکشد عابد است و هرکس به قسمت الهی راضی باشد غنی است، هرکس با هم‌جوار خویش حسن مجاورت داشته باشد مسلمان است و هرکس با مردم آن‌طور مصاحبت و هم‌نشینی کند که خود دوست دارد با او آنگونه مصاحبت شود عادل است» (یعقوبی، ۳۰۳/۲). در این بیان امام علیه السلام برای هر یک از این مفاهیم، شاخصه معرفی کرده‌اند. حضرت یکی دیگر از نشانه‌های مسلمان واقعی را ترک کار یا سخنی می‌داند که ارتباطی بدو ندارد (ابن انس، ۹۰۳/۲). ابومالک که از محدثین است از امام سجاده علیه السلام می‌خواهد که او را نسبت به جمیع شرایع دین با خبر سازند. جمیع شرایع دین به عبارت ساده‌تر یعنی آنچه دین در ساحت عمل در بردارد که با عمل به آن، بُعد عملی دین محقق می‌شود. امام علیه السلام در پاسخ می‌فرماید: «سخن حق، حکم بر اساس عدالت و وفای به عهد است» (ابن بابویه، النخصال، ۱۱۳/۱). این سه محوری که امام علیه السلام شرایع دین را در آن خلاصه کرده جنبه‌های مختلف اخلاق، احکام و آداب دینی را در برمی‌گیرد. برخی مفاهیم دینی در جامعه نام‌آشناست و زیاد از آن سخن رفته است اما از جمله آفاتی که بر این مفاهیم

عارض می‌شود این است که تعریفی ظاهری از آن موجود بوده اما تحقق واقعی آنان تبیین نمی‌شود. طاووس یمانی نقل می‌کند که: «از علی بن الحسین علیهما السلام شنیدم که فرمود مؤمن پنج علامت دارد. پرسیدم و این پنج علامت کدامند ای فرزند رسول خدا! فرمود: ورع در خلوت، صدقه در حال کمبود، صبر هنگام مصیبت، بردباری در هنگام خشم و راستگویی در هنگام ترس» (همان، ۱/۲۶۹). امام علیه السلام در حدیثی از قول رسول خدا نسبت به بدعت‌گذاری در قرآن و سنت هشدار داده و آنان را مورد لعن خداوند و پیامبرانش دانسته است (ابن حیون، شرح الاخبار، ۱۱/۳). این‌گونه بیانات از جانب امام علیه السلام در بازگرداندن جامعه مسلمان به معنای واقعی مفاهیم دینی در فضایی که خلافت نبوی به سلطنت اموی تبدیل شده بود، بسیار مؤثر بود.

نتیجه

امام سجاد علیه السلام در دوران امامت خویش به سبب محدودیت‌ها و شرایط خاص سیاسی، نیازمند اتخاذ روش‌ها و اهداف ویژه‌ای بود تا با خلق فرصت و یا استفاده حداکثری از فرصت‌های پیش‌آمده، وظیفه هدایت‌گری خویش را اجرا کند. یکی از جنبه‌های کمتر کارشده از تلاش‌های هدایت‌محور امام علیه السلام، موضوع تلاش‌های علمی ایشان است. این پژوهش بر آن بود تا اهداف راهبردی در مناسبات علمی ایشان را بازشناسد. امام علیه السلام با توجه به محدودیت فرصت‌ها و فضای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خاص دوره خویش، اهداف خاصی را برگزید و برای رسیدن به آنها از طریق ارتباط‌گیری علمی، برنامه ویژه‌ای را دنبال کرد. اهداف راهبردی میراث علمی برجای مانده از ایشان در پنج موضوع: احیای سیره و سنت نبوی، تأکید بر فضائل و خصائص اهل بیت با تأکید بر جایگاه امیرالمؤمنین ضمن مبارزه با پدیده غلو، تبیین حق و باطل ضمن تأکید بر تقیه، تأکید بر زهد و آخرت‌اندیشی و مبارزه با دنیاگرایی و نهایتاً تبیین و ابهام‌زدایی از مفاهیم اصیل دینی تعیین و بررسی شد.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن ابی خيثمه، احمد بن زهير، تاريخ الكبير، تحقيق صلاح ابن فتحى هليل، قاهره، الفاروق الحديثه للطباعة والنشر، ۱۴۲۴.
- ابن ابی شيبه، عبدالله به محمد، الكتاب المصنف فى الاحاديث و الآثار، بيروت، دارالتاج، ۱۴۰۹.
- ابن ابى عاصم، احمد بن عمرو، السنه، بيروت، المكتب الاسلامى، ۱۴۰۰.
- ابن اثير، على بن محمد، الكامل فى التاريخ، تحقيق الدكتور عمر عبدالسلام تدمرى، بيروت، دارالكتاب العربى، ۱۴۲۲.
- ابن انس، مالك بن انس، الموطأ، تحقيق محمد مصطفى الاعظمى، ابوظبى، مؤسسه زايد بن سلطان آل نهيان للأعمال الخيره و الإنسانيه، ۱۴۲۵.
- ابن بابويه، محمد بن على، علل الشرائع، قم، مكتبه الداورى، بى تا.
- _____، عيون اخبارالرضا عليه السلام، تصحيح سيدمهدي حسيني لاجوردى، تهران، جهان، بى تا.
- _____، مصادقه الاخوان، كاظمين، مكتبه الإمام صاحب الزمان العامه، ۱۴۰۲.
- _____، معانى الاخبار، تصحيح على اكبر غفارى، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ۱۳۶۱.
- _____، الخصال، تصحيح على اكبر غفارى، قم، مؤسسه النشرالاسلامى، ۱۴۱۶.
- ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند أحمد بن حنبل، بيروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۶.
- _____، الزهد، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۲۰.
- ابن حيون، نعمان بن محمد، تاويل الدعائم، تحقيق محمدحسن اعظمى، قاهره، دارالمعارف، بى تا.
- _____، دعائم الاسلام، تحقيق آصف بن على اصغر فيضى، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۳۸۵.
- _____، شرح الاخبار فى فضائل ائمه الاطهار ۷، تحقيق سيدمحمد حسيني جلالى، قم، مؤسسه النشر الاسلامى، ۱۴۰۹.
- ابن سعد، محمد بن سعد، طبقات الكبرى، تحقيق محمد عبدالقادر عطا، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۱۰.
- ابن عبدربه، احمد بن محمد، العقد الفريد، تحقيق مفيد محمد قميحه، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۰۷.
- ابن عقده، احمد بن محمد، فضائل اميرالمومنين عليه السلام، به كوشش عبدالرزاق محمدحسين



- حرزالدین، قم، دلیل ما، ۱۳۸۲ ش.
- ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، عیون الاخبار، شرح یوسف علی طویل، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸.
- ابن مبارک، عبدالله بن مبارک، مسند الامام عبدالله بن المبارک، تحقیق صبحی بدری سامرائی، ریاض، مکتبه المعارف، ۱۴۰۷.
- ازرقی، محمد بن عبدالله، اخبار مکه، تحقیق رشدی صالح ملحس، بیروت، دارالاندلس، ۱۴۱۶.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، الضعفاء الصغیر، تصحیح محمود ابراهیم زائد، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶.
- _____، صحیح البخاری، قاهره، وزارة الاوقاف، ۱۴۱۰.
- بزار، احمد بن عمر، مسند البزار، تحقیق رحمان زین الله و دیگران، مدینه، مکتبه العلوم و الحکم، ۱۴۳۰.
- جاحظ، عمرو بن بحر، البیان و التبین، تحقیق علی ابو ملحم، بیروت، مکتبه الهلال، ۲۰۰۲ م.
- جعفری، اکرم، «سیره امام سجاد علیه السلام در مواجهه با پدیده جعل حدیث»، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمد مولوی، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۶ ش.
- حسینیان مقدم، حسین، «نقش امام سجاد علیه السلام در تحریف زدایی از سیره نبوی»، پژوهش های تاریخی، سال ۸، ش ۲۹، فروردین ۱۳۹۵، ص ۷۲-۵۷ (DOI: 10.22108/jhr.2016.16687).
- ذهبی، شمس الدین بن محمد بن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، تحقیق علی محمد معوض و دیگران، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶.
- سامانی، سید محمود و سید محمود بختیاری، «راهبردهای امام سجاد علیه السلام در گسترش فرهنگ اهل بیت علیه السلام و تشیع»، سیره پژوهی اهل بیت علیه السلام، دوره ۲، ش ۲، فروردین ۱۳۹۵ ش، ص ۶۷-۴۵ (DOI: 10.22081/csa.2016.22992).
- شافعی، محمد بن ادريس، الأم، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۰.
- _____، السنن، تحقیق خلیل ابراهیم ملاخاطر، جده، دارالقبله للثقافه الإسلامیه، ۱۴۰۹.
- صنعانی، عبدالرزاق بن همام، المصنف، تحقیق حبیب الرحمن اعظمی، بیروت، المجلس العلمی، ۱۴۰۳.
- طبری، محمد بن جریر، تهذیب الآثار (مسند ابن عباس)، قاهره، مطبعه المدنی، بی تا.
- _____، تفسیر طبری (جامع البیان عن تاویل آی القرآن)، تحقیق عبدالله بن عبدالمحسن ترکی، قاهره، هجر، ۱۴۲۲.
- عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر العیاشی، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، المکتبه العلمیه

- الاسلامیه، ۱۳۸۰.
- فاضل نجم الدعمی، عقیل، دور الامام زین العابدین علیه السلام فی مواجهه الافکار المنحرفه، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محسن الویری، گروه تاریخ، جامعه المصطفی العالمی، ۱۳۹۷ش.
- فاکهی، محمد بن اسحاق، اخبارالمکه، تحقیق عبدالملک بن عبدالله بن دهیش، مکه، مکتبه الاسدی، ۱۴۲۴.
- فرات کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تحقیق محمد الکاظم، تهران، وزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی، ۱۴۱۰.
- فسوی، یعقوب بن سفیان، المعرفه و التاريخ، تحقیق اکرم ضیاء عمری، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۱.
- کشی، محمد بن عم، اختیار معرفه الرجال، تصحیح محمدباقر استرآبادی، تحقیق سیدمهدی رجائی، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
- کوفی، محمد بن سلیمان، مناقب الإمام أميرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، تحقیق محمدباقر محمودی، قم، مجمع احیای فرهنگ اسلامی، ۱۴۲۳.
- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق یوسف اسعد داغر، قم، مؤسسه دارالهجره، ۱۴۰۹.
- مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۳.
- نسائی، احمد بن علی، خصائص امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، تحقیق ابوعبدالله عاملی سلفی، بیروت، المکتبه العصریه، ۱۴۲۴.
- واقدی، محمد بن عمر، المغازی، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، بیروت، دارصادر، بی تا.
- Chandler, Alfred, *Strategy and Structure*, Cambridge, MIT Press, 1962.